

بچه‌های ایران

به تماشای «بچه مردم» می‌نشیند

همزمان با انتشار بوستر جدید فیلم سینمایی «بچه مردم»، از دوشنبه ۱۰ آذرماه، این فیلم با ورود به چرخه اکران سیار فرصت تماشای حداکثری خواهد یافت.

اکران فیلم‌سینمایی «بچه مردم» به کارگردانی محمود کریمی و تهیه‌کنندگی سیدعلی احمدی از اواخر مهرماه با پخش سینمایی شهر فرنگ در سینماهای سراسر کشور آغاز شد و این فیلم تاکنون توانسته حدود ۱۲ میلیارد فروش و ۱۴۰ هزار مخاطب را تجربه کند. این فیلم با رفتن به چرخه اکران سیار، دور جدیدی از نمایش عمومی را تجربه خواهد کرد. اکران سیار «بچه مردم» از دوشنبه ۱۰ آذرماه در سراسر کشور آغاز شده است و از این طریق، نمایش این فیلم تحسین شده در شهرهای بدون سینما نیز فراهم می‌شود. علاقه‌مندان برای هماهنگی اکران سیار این فیلم در مدارس، کانون‌های فرهنگی و دانشگاه‌های سراسر کشور می‌توانند به سایت esayar.ir مراجعه کنند.

معرفی هیئت داوران ۲بخش جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان

اسامی هیئت داوران دو بخش «کودک» و «خردسال» این رویداد بین‌المللی اعلام شد.

با حکم آزاده انصاری، دبیر سی‌امین جشنواره، در بخش کودک، داور۱ آرش به عهده‌حمیدرضا نعمی، شهرام کریمی و پرستو گلستانی گذاشته شده است و در بخش خردسال، داوران این بخش سلما محسنی ارداهلی و فهیمه میرزا حسینی هستند. سی‌امین دوره جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان، با حضور هنرمندان داخلی و بین‌المللی در حال آماده‌سازی است و هیئت داوران با تجربه خود آثار ارائه شده را بررسی و انتخاب خواهند کرد.

توقف پخش سکوی «بازمانده» پس از انتشار ویدئوی بدون مجوز

سکوی پخش برنامه «بازمانده» پس از انتشار ویدئوی بدون مجوز از ساترا توقیف شد.

در پی انتشار ویدئویی از مسابقهٔ «بازمانده» بدون دریافت مجوزهای لازم و همچنین بروز موارد توهین به نمادهای ملی و مبنهٔ در این مسابقه، فعالیت سکوی پخش این مسابقه متوقف شد. توقیف این سکو بر اساس پیگیری حقوقی ساترا و در راستای رعایت حقوق مخاطبان، سیانت از نمادهای ملی و پایبندی سکوی‌های صوت و تصویر فراگیر به مقررات رسمی، صورت گرفته است. پیش‌تر عباس سیاح‌طاهری، معاون کاربران و تنظیم‌گران اجتماعی ساترا اعلام کرده بود مسابقهٔ بازمانده و سکوی انتشار آن مجوزهای لازم را از سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی اخذ نکرده‌اند.



«فانور دشت» راهی باکو شد

فیلم سینمایی «فانور دشت» راهی جشنواره باکو شد. فیلم سینمایی «فانور دشت» به کارگردانی حمیدرضا خرمندان و تهیه‌کنندگی مهدی فرجی محصول سازمان سینمایی سوره در بخش رقابتی جشنواره بین‌المللی باکو، حضور خواهد داشت. این جشنواره که در سال ۲۰۰۴ از سوی مرکز فیلمسازان جوان کشور آذربایجان تأسیس شده و پیش‌تر با نام STARTISF برگزار می‌شده‌است، امروز به یکی از رویدادهای مهم سینمایی منطقه تبدیل شده‌است. جشنواره فیلم باکو طی سال‌های اخیر به سکویی برای نمایش فیلم‌هایی که در جشنواره‌های بزرگ جهان موفق به دریافت جایزه شده‌اند، بدل شده و دروس و هنر و ۵۰۰فیلم از سراسر دنیا هر ساله برای حضور در این جشنواره ثبت‌نام می‌شوند و از میان آنها، بهترین و خلاقانه‌ترین فیلم‌ها انتخاب می‌شوند و در برنامه رسمی جشنواره قرار می‌گیرند. این جشنواره محل برگزاری کارگردانی تهیه‌کنندگانی فیلمنامه‌نویسان کشور آذربایجان و بین‌المللی است و نقش مهمی در معرفی استعدادهای نوظهور را به سینمای جهان دارد. این فیلم سینمایی پیش از این در بخش رقابتی سی‌ویکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مینسک در کشور بلاروس موفق به دریافت دو جایزه از این رویداد شده بود. شانزدهمین دوره جشنواره باکو از ۵الی ۹ دسامبر برابر با ۱۴ الی ۱۸ آذرماه سال جاری در شهر باکو کشور آذربایجان برگزار می‌شود. پخش بین‌الملل فیلم «فانور دشت» بر عهده مرکز بین‌الملل سوره‌است.

رویداد



روز نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهیداکبر زجاجی (چهارهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰-۸۸۵۴۶۶-فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۴۶۵ |
شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۴ | ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ |
اذان ظهر: ۱۱:۵۴ | غروب آفتاب: ۱۶:۵۱ |
مغرب: ۱۷:۱۱ | نیمه‌شب‌شروع: ۲۳:۰۹ |
اذان صبح‌فردا: ۵:۲۸ | طلوع آفتاب‌فردا: ۱۰:۶۵۷

ترویج کتابخوانی به سبک «فیدیبو» با کیمیاگری خواننده‌دین ستیز

کتابخانهٔ دین ستیز در تهران

شده است، اما نهایتاً در تابستان سال ۸۸ و به حکم دادگاه به هشت سال حبس تعزیری محکوم شد. این محکومیت در شرایطی رخ داد که نامجو قبلاً از ایران خارج شده بود و در همان سال آلبوم جدید خود را با عنوان «خ» منتشر کرد. در این آلبوم نیز قطعاتی با محتوای موهن، غیراخلاقی و ضدارزشی وجود داشت؛ اقدامی که نشان می‌داد اظهارات او در نامه‌اش کاملاً دروغ بوده و این خواننده هتاک از همان ابتدا قصدی غیر از توهین به آیات الهی نداشته است. نامجو در سال‌های بعد نیز در مقام خواننده قطعاتی را اجرا کرد که اغلب آنها علاوه بر ساختار شکنی فرمی، دارای محتوای غیراخلاقی (استفاده از زبان تند و رکیک، عبارت‌های جنسی و تخریب و تحقیر ارزش‌های دینی و شخصیت‌های نظام) نیز بود. او حتی در آخرین اثرش یعنی آلبوم «می‌نور» که به زعم خودش یک پروژه پژوهشی با موضوع صداها و آهنگ‌های خاطره‌ساز پس از انقلاب بود نیز این نگاه را دنبال کرد. نامجو همچنین در ۱۵ سال گذشته کنار فعالیت‌های هنری، آشکارا از اغتشاشاتی که در طول این سال‌ها در کشورمان رخ داده، حمایت کرده‌است تا به خیال خودش در دایرهٔ اپوزیسیون نظام برای خودش جایگاهی دست و پا کند.

بدمستی و متجاوز
در کنار این رویکردهای هنری و سیاسی، محسن نامجو از حیث اخلاقی نیز در معرض اتهامات متعددی قرار گرفته است. در ۱۳۹۹ باوچ گرفتن جریان موسوم به «می‌تو» چند بازیگر و فعال موسیقی زن که سابقه دوستی و همکاری با نامجو داشتند، در گفت‌وگوهایی او را به تجاوز و تعرض جنسی متهم کردند. نامجو بر ابتدا با رد این اتهامات، این زنان و دختران را افرادی دانست که به‌رامی از زیبایی ندارند و برای مطرح شدن نامشان دست به چنین اقدامی زده‌اند. تا دوام افشای موارد مشابه، این خواننده متجاوز مجبور شد با انتشار ویدئویی با پذیرش ضمنی اتهامات، این اقدامات را ناشی از زیاده‌روی در مستی عنوان کند.

پس از خروج نامجو از ایران، هیچ کدام از آثار او در مقام آهنگساز و خواننده به دلیل اقدامات و اظهارات موهن او در مورد کلام و حی به صورت رسمی در کشور منتشر نشد. با این حال کارافزار «فیدیبو» همچنان کتاب صوتی کیمیاگر را با صدای او به صورت آشکار تبلیغ می‌کند و به فروش می‌رساند. اینکه اثر یک شخصیت نامجو در سایت‌های اینترنتی منتشر شد که در رسانه رسمی و دارای مجوز جمهوری اسلامی ایران ارائه شده و با تبلیغات رسمی به مخاطبان پیشنهاد و ارائه می‌شود، واقعاً تعجب‌آور است. در شرایطی که ارزش‌های دینی و اخلاقی در گستره‌ای وسیع مورد حمله معاندان قرار گرفته، رسمیت بخشیدن و جاهت‌دادن به افراد ساختارشکن و دین ستیزی که سابقه آنها برای هتاک‌ن‌روشن است، زمینه‌ساز مشروعیت‌بخشی به چنین اقداماتی است، موضوعی که نیازمند ورود جدی وزارت فرهنگ را دشاد اسلامی برای غریبال دقیق این گونه رسانه‌ها از آزار داری مسئله و چهره‌های تخریب‌گر است.

رسمیت بخشیدن و و جاهت دادن به افراد ساختارشکن و دین ستیزی که سابقه آنها برای همگان روشن است، زمینه‌ساز مشروعیت‌بخشی به چنین اقداماتی است

کتابخانهٔ دین ستیز در تهران

است، حضور شخص «محسن نامجو» به عنوان گوینده این اثر نیز در جای خود قابل تأمل است! چه‌اینکه محسن نامجو خواننده و آهنگسازی است که از اواسط دهه هشتاد و با خواندن قطعاتی در سبک تلفیقی که مبتنی بر آشنازدایی و شکستن ساختار مألوف موسیقی دستگاهی بود، نامی برای خودش دست و پا کرد. نامجو پس از انتشار چند قطعه به صورت زیرزمینی، سرانجام در سال ۱۳۸۶ توانست مجوز نخستین آلبوم خود را با عنوان «ترنج» اخذ کند؛ اثری چارچوب‌شکن از حیث موسیقایی که نامجو در آن اشعار شاعرانی همچون حافظ، مولانا، خواجوی کرمانی و باباطاهر عریان را در بین کاربران باز کرده‌اند. این رویکرد مدرن با استقبال مخاطبان همراه شد و به موازات گسترش استفاده از اینترنت در آن سال‌ها به سرعت نام نامجو را بر سر زبان‌ها انداخت.

اهانت به قرآن با زبان موسیقی
یک سال بعد نامجو که پیش از این علاوه بر خوانندگی، سابقه آهنگسازی و ایفای نقش‌های کوتاه در سینما را هم تجربه کرده بود، این بار با گویندگی و آهنگسازی برای کتاب صوتی «کیمیاگر» و کئویلو وارد فضای جدیدی شد؛ تجربه‌ای که تحت الشعاع یک اقدام جنجالی از سوی او قرار گرفت. در تابستان ۱۳۸۷ قطعه‌ای از نامجو در سایت‌های اینترنتی منتشر شد که در آن آیه‌هایی از قرآن کریم را به شکلی غیرمتعارف و موهن همراه با موسیقی سبک بلوز خوانده بود. این موضوع واکنش رسانه‌ها و فعالان قرآنی را به دنبال داشت که در نهایت با اعلام شکایت حاج عباس سلیمی، قاری پیشکسوت و مجری برنامه‌های قرآنی صدورسما مواجه شد. در ابتدا نامجو در نامه‌ای این کار را یک نسخه آزمایشی و پژوهشی دانست که بی‌اجازه منتشر

کتاب صوتی «کیمیاگر» با صدای محسن نامجو، خواننده‌ای که آشکارا به قرآن کریم و ارزش‌های دینی اهانت کرده، در کارافزار (اپلیکیشن «فیدیبو» در دسترس است. استفاده از کتاب‌های صوتی در سال‌های اخیر به عنوان شکلی نوین از مطالعه در بین کتابخوانان حرفه‌ای و مخاطبان عادی گسترش فراوانی یافته است؛ روندی که موجب شده کارافزارهای متعدد و متنوعی با محوریت تولید و انتشار کتاب‌های صوتی شکل بگیرند. این کارافزارها با انتشار متن کتاب‌های پر خواننده با صدای گویندگان سرشناس و شناخته شده همراه با چاشنی جلوه‌های موسیقی یا بهره‌گیری از گویندگان خوش صدا، توانسته‌اند سهم قابل توجهی از بازار تولید محتوا و نشر را به خود اختصاص دهند. افزایش تعداد این رسانه‌ها و کارافزارها در یک دهه اخیر به موازات گسترش استفاده از گوشی هوشمند و سایر ابزارهای نوین ارتباطی، به این روند در حال گسترش وامز زده است.

از آنجا که «شنیدن» و فرهنگ شفاهی از دیرباز مورد علاقه جامعه ایران بوده و اصولاً قهصه‌گویی به صورت چهره به چهره بخشی از فرهنگ علمه ایران است، کتاب‌های صوتی نیز خیلی زود جای خود را در بین کاربران باز کرده‌اند. به گونه‌ای که دامنه موضوعی این کتاب‌ها حتی به رمان، داستان و شعر محدود نماند و در موضوعات تخصصی، روان‌شناسی، تاریخ و حتی علوم فنی نیز شاهد تولید انبوه کتاب‌های صوتی بوده‌ایم. این تولیدات اگرچه سطح کیفی متفاوتی را داشتند، در مجموع با استقبال علاقه‌مندان به کتابخوانی قرار گرفتند. **ضرورت آفت کشی در باغ مجازی کتاب**
اما در کنار همه مزیت‌ها و دستاوردهای مثبتی که انتشار کتاب‌های صوتی رقم زده، این گونه محصولات فرهنگی نیز همچون سایر قالب‌های نوین تولید محتوا آفت‌هایی را هم به دنبال دارد. آفت‌هایی که بیش از هر چیز نیازمند نظارت قوی و مستمر و حساسیت نسبت به محتوا و شکل این گونه تولیدات است. یکی از کتاب‌های صوتی که سال‌ها است در کار افزار «فیدیبو» موجود بوده و همچنین نیز در قفسه فروش این مجموعه قرار دارد، «کیمیاگر» اثر «پائولو کوئیلو» نویسنده مشهور برزیلی است. فارغ از محتوای قابل بحث کتاب و نویسنده آن که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان مروج نوعی از عرفان کلاب و انحرافی

حکمت

حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها:
خداوند ایمان را با یک کننده
از شرک و زکات را افزایشده
روزی ساخت.
من لا يحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸-۴۹۴



جشنواره‌ای به شکل محلی به نام جهانی

تنها مزیتش بیلگه جیلان بود که آن را هم قرنطینه کردید

جشنواره فیلم فجر در تهران

آن را مجموعه‌ای از عوامل و شاخص‌ها تعریف می‌کنند: عزیزی که در ترکیب هیئت‌های داوری هستند، همگی محترمند، ولی آیا سلط داوران یک جشنواره بین‌المللی باید این قدر نازل باشد؟ حتی چندتایی از آنها انگلیسی بلد نیستند یا کمک مترجم و زیرنویس داوری کردند!

سینماگران ایرانی بسیاری داریم که در دنیا شناخته‌شده‌اند و همین فیلمسازان ترکیه‌ای حاضر در جشنواره– که در قرنطینه نگه داشته‌شد– یکی از شاگردان مکتب فیلمسازی سینماگران ایرانی است.

میلیاردها تومان از سرمایه ملی– در این شرایط بحرانی اقتصاد اندکی ممکن است فایده‌ای نداشته باشد– در آن‌سوی دور شیراز برای «چند اتوبوس میهمان گننام، بی‌کارنامه و تعدادی ارمند و مدیر درجه‌چند» حیف‌وبیل‌ش!

چرا بزرگان صنف سینمایی در این رویداد غایب هستند؟

تصاویر منتشره از کارگاه‌ها نشان می‌دهد که حتی در سطح کارگاه‌های فیلم کوتاه ایران‌مال هم نبوده‌است!

آیا با توجه به شرایط جهانی و منطقه‌ای نمی‌شد از ظرفیت کارگاه‌های فیلم کوتاه ایران‌مال هم نبوده‌است! مشترک دینی، آیینی، زبانی و آرمانی دارند، استفاده کرد؟ چرا پیام و فضای جامعه پس از جنگ ۱۲ روزه و مظلومیت و مقاومت مردم این سرزمین در جشنواره صدایی نداشت؟ همچنان که در یک فیلم سینمایی وجود چند بازیگر شاخص و سلبریتی، فضای ذهنی افکار عمومی را به خود می‌کشد، در یک رویداد فرهنگی و سینمایی نیز چنین است. این جشنواره قهرمان نداشت، چهره نداشت، نقطه فوکوس نداشت، تریبون نداشت، زبان بین‌المللی نداشت، پیام نداشت و ستاد اجرایی حرفه‌ای نداشت! سرده، خاموش و بنام ملی و جهانی، تشريفات حرفه‌ای ... کدام؟

آن در قواره افتتاحیه فیلم «آقای زالو» هم نبود. راستی! شاخصه‌های «فیایف پلسند» این جشنواره کجا بود؟ فیلم‌های اکران اول، رسانه‌های بین‌المللی، نشریات تخصصی انگلیسی‌زبان، اساتید و منتقدان جهانی، مדיاها و محتواهای چندزبانه، سینماگران شناخته‌شده، کارشناسان ای کاش فضای جشنواره را مانند جشنواره فیلم کوتاه تهران با هنر جوها و اعضای آموزشگاه‌ها پر می‌کردید تا سالیان‌ها ای سرد و «پر از خالی» این قدر توی ذوق نزنند! یا می‌شد مثل نگاهنامه‌ای با آموزش و پرورش از حضور دانش آموزان استفاده کرد!

لطفاً نخست بیاییم قواعد بازی را یاد بگیریم. با شعارهای توخالی و کلمات انتزاعی نمی‌توان بر تلخی‌ها و ضعف‌های ریز و درشت سپروش گذاشت! توجیه هم نکنیم. به نسبت بودجه و هزینه‌های انجام‌شده، «تیم فجر» شکست خورد. شجاع باشید و این شکست را گردن بگیرید. دوران آزمون و خطا سپری شده است. کنفوسیوس می‌گوید: هر انسانی ممکن است اشتباه کند، ولی انسانی که اشتباهش را تکرار می‌کند، خرمند نیست.

معتقدم خیلی زود، بخش بین‌الملل جشنواره باید با این آزمون و خطاهای صورت گرفته، به دامن مألوف خود– یعنی جشنواره اصلی قلمبه‌ساز فجر– بازگردد تا دوباره در «هتن شکوه، عظمت و عزت دهه فجر» دیده و شنیده شود.

جشنواره‌ای که باید ویت‌رین جهانی سینمای ایران باشد، در شیراز به رویدادی محلی و کم‌صدا تبدیل شد؛ نه چهره داشت و نه مخاطب و تنها مزیتش حضور بیلگه جیلان بود که آن هم با قرنطینه‌کردن او عملاً بی‌اثر شد.

■ ■ ■

به گزارش تسنیم، جشنواره‌ها معمولاً به‌وجود می‌آیند و بر گزار می‌شوند تا جریان‌سازی کنند، فضایی تازه برای پویایی و رشد فرهنگ عمومی و حوزه‌های تخصصی رقم بزنند، نوری بیندازند در تاریکی‌ها و مسیرها را نشان دهند و با چراغ رسانه‌ها، افکار عمومی را با آگاهی روشن سازند و اعتماد اجتماعی و مناسبات پهنه جامعه را با سینما و هنر تقویت کنند.

در مقیاس جهانی هم علاوه بر همه اینها، می‌توانند میراث فرهنگی و جلوه‌های زیبای سرزمینی را به سایر ملت‌ها انتقال و انعکاس دهند و این همه، با حضور سینماگران صاحب‌نام، منتقدان مرجع و رسانه‌های معتبر داخلی و خارجی و ارائه کیفیت‌های مطلوب اجرایی محقق می‌شود.

در کشور ما، اما برگزاری جشنواره‌ها فرق دارد. جشنواره جهانی فیلم فجر این روزها در حالی در شیراز برگزار شده است که صدایی از آن برخاست، حتی مخاطبان محلی و بومی شیراز و حومه را هم با خود همراه نکرد.

«نود چهره‌های مشهور و معتبر»، «محتوای ضعیف»، «تماشای آثار معمولی»، «عدم بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های محلی، ملی و بین‌المللی»، «فقدان حضور سینماگران دارای وزن و اعتبار کشور»، «کادر اجرایی بی‌انگیزه و سستی»، که «قواعد و استانداردهای» رویدادهای بین‌المللی را بلد نیستند و دهها فاکتور دیگر باعث شده تا جشنواره‌ای که به اسم جهانی و در شمایل محلی است با بی‌سلیقگی برگزار شود.

ضعف مفرط کمیته‌های ارتباطات و اطلاع‌رسانی جشنواره و «سازمان سینمایی» باعث شده صدای این اتفاق از دیواره‌های بنای شهر آفتاب هم آن‌سوتر نرود و حتی قادر نباشد مخاطبان بومی این پردیس سینمایی را

که برای دیدن فیلم‌هایی چون «فسیل»، «مرد عینکی»، «آقای زالو»، «پیر پسر» و «قططنطینه» این مجموعه را پر می‌کردند– جذب کند.

برگزاری یک جشنواره سینمایی، آن هم در ابعاد جهانی، با «حمل و انتقال اتوبوسی چند رسانه، فیلمساز و جابه‌جایی مدیران و کارمندان سازمانی از نقطه‌ای به نقطه دیگر»

جشنواره فیلم فجر در تهران